**١٩ - بداء و افتتان و امتحان**

از حضرت بهاءالله در کتاب ايقان است قوله الاعلی: "و بعد از مدتّها چند مرتبه وعده انزال نصر باصحاب خود فرمودند و در هر مرتبه بداء شد و بعضی از آن اصحاب معدوده بعلّت ظهور بداء اعراض مينمودند تا آنکه باقی نماند از برای آنحضرت مگر چهل نفس و يا هفتاد و دو نفس ... و تصديق نمائيد که امتحانات الهيّه هميشه در مابين عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حقّ از باطل و هدايت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده الم احسب الناس ان يترکوا ان يقولوا آمنّا و هم لا يفتنون."

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزيز: "ايتها المنشرحة الصدر بانوار الملکوت اعلمی انّ الحکمة الآلهيّة اقتضت ظهور الامتحان و الافتتان فی عالم الامکان و لا يکاد يتمّ امر فی الوجود من غثّه و ثمينه و حقيره و خطيره الّا بالامتحان فلو کان ابواب الراحة و الغنی مفتوحه علی وجه حواری المسيح من اين کان يظهر خلوص پطرس الحواری من خباثة يهودا الاسخر يوطی انما ظهر فضائل الاول و رزائل الثانی بسبب الامتحان و الافتتان فهذا من جملة حکم ظهور الامتحان فی عالم الانسان و قوله العزيز امتحان از برای صادقان موهبت حضرت يزدان است زيرا شخص شجاع بميدان امتحان حرب شديد بنهايت سرور وشادمانی بشتابد ولی جبان بترسد و بلرزد و بجزع و فزع افتد و همچنين تلميذ ماهر دروس و علوم خويش را بنهايت مهارت تتبّع و حفظ نمايد و در روز امتحان در حضور استادان در نهايت شادمانی جلوه نمايد و همچنين ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نمايد پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدّسه موهبت حضرت يزدان است امّا از برای نفوس ضعيفه بلای ناگهان."

**\*\*\*\*\*حاشیة\*\*\*\*\***

# در قرآن در سوره قتال است قوله تعالی: "ولنبلونکم حتّی تعلم المجاهدين منکم و الصابرين و نبلو اخيارکم."

و در کتاب کافی در باب البداء از حضرت صادق است . ما بعث الله نبيا حتی ياخذ عليه ثلاث خصال الاقرار له بالعبودية و خلع الانداد و ان الله يقدم ما يشاء و يؤخّر ما يشاء

و در تورات است . تارة اتکلّم علی امه و علی مملکه بالقلع و الهدم و الاهلاک فترجع تلک الامة التی تکلّمت عليها عن شرّها فاندم عن الشرّ الذی قصدت لمن اضع بها و تاره اتکلّم علی امه و علی مملکه بالبناء و الغرس فتفعل الشرفی عينی فلا تسمع لصوتی فاندم عن الخير الذی قلت انی احسن اليها به.

و در کتاب مجمع البحرين است . و قد تکثرت الاحاديث من الفريقين فی البداء مثل اعظم الله بمثل البدا و قوله ما بعث الله نبيا حتی يقوله بالبدا و فی حديث صادق ما بد الله فی شيئی کما بد الله فی اسمعيل ابنی. از مواضع بدا در قديم و جديد و قرآن قصه ذبح اسحق يا اسمعيل در غايت شهرت است و از مواضع آن در دوره حضرت رسول آيه قرآنيه و ما جعلنا الرؤيا التی اريناک الا فتنه للناس و شان نزول آن نيز کمال شهرت دارد و بداء مذکور در حقّ اسمعيل بن جعفر در آثار اين امر نيز مذکور است و در کتاب بيان عقيده ببداء از ارکان ايمان ثبت گرديد و مواضع کثيره از بداء در دوره اين امر بداء در قيام بمکه ياظهر کوفه در دوره حضرت نقطه يا بداء در حقّ محمّد علی شاه در دوره حضرت عبدالبهاء در تاريخ اين امر ثبت ميباشد.